

فصلنامه محیط راهبردی

سال پنجم، شماره ۱۷، زمستان ۱۴۰۰

مقاله پژوهشی، صفحه ۶۷ تا ۹۲

بررسی عوامل ژئوپلیتیکی بازیگری آمریکا در جنوب غرب آسیا؛ از گذشته تا آینده (با تأکید بر مفهوم امنیت)

رضا رحیمی^۱ و مرضیه افرافر^۲

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۹/۱

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۷/۵

چکیده

در مناسبات بین‌المللی کشورها همانند بسیاری از حوزه‌های انسانی تحولات پیش‌آمده نیازمند مطالعات دقیق تاریخی است تا بتوان با کمک آن و نیز سایر عوامل مؤثر دورنمای مشخصی از آینده را به دست آورد. منطقه ژئوپلیتیکی جنوب غرب آسیا نیز، از این قاعده مستثنا نیست. پژوهش حاضر ضمن انجام بررسی‌های دقیق در اسناد تاریخی و با بهره‌گیری از تکنیک تحلیل اثرات متقاطع که یکی از روش‌های متداول و مورد پذیرش آینده‌پژوهی است به بررسی نقش ژئوپلیتیکی آمریکا بر امنیت جنوب غرب آسیا پرداخته و تلاش کرده است تا بر اساس الگوهای مختلف روابط ژئوپلیتیکی، سناریوهای احتمالی منطقه را در آینده ترسیم کند. به این منظور جدا از بررسی‌های کتابخانه‌ای و اسنادی متون تاریخی، مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی مؤثر کنونی شناسایی و با استفاده از نرم‌افزار نرم‌افزار میک مک و مدل دلفی کارشناسان نسبت به تحلیل آن‌ها اقدام شد. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، نقش آفرینی منفعت‌طلبانه و خودمحوارانه ایالات متحده آمریکا در طول دهه‌های اخیر در کنار تقابل غیر قابل انکاری که این قدرت جهانی در چهار دهه اخیر با جمهوری اسلامی ایران دارد، امنیت را در جنوب غرب آسیا و در ابعاد مختلف دچار بحران کرده است. در چنین شرایطی بیش از هر بُعد دیگری از امنیت، امنیت اقتصادی و نظامی دچار مشکل شده است و این نقش آفرینی در آینده نیز خسارت‌های بیشتری را به منطقه وارد خواهد کرد؛ دورنمای ناخوشایندی که افزایش همکاری‌های منطقه‌ای در جنوب غرب آسیا و اشاعه فهم مشترک از منافع در میان قدرت‌های منطقه، می‌تواند اثرات آن را کاهش دهد.

کلیدواژه‌ها: آینده‌پژوهی، ژئوپلیتیک، تاریخ، اثرات متقاطع میک مک، امنیت، آمریکا، ایران.

۱. دکترای جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. Wictor_68@yahoo.com

مقدمه

طی دو دهه گذشته در ادبیات علمی و برنامه‌ریزی جهان، تأثیرگذاری آینده‌پژوهی بر سیاست‌گذاری‌های کنونی بسیار برجسته شده است و این موضوع، آینده‌پژوهی و امکان‌سنجی تحولات پیش‌رو را به ابزاری سیستمی و پشتیبان برای تصمیم‌گیری‌های مسئولان بدل کرده است. نگاه متفاوت به آنچه در آینده زندگی انسان‌ها را متأثر خواهد کرد، مورد توجه ویژه آینده‌پژوهان است و آن‌ها تلاش می‌کنند تا با بهره‌گیری از ابزارهای گوناگون به ترسیم و ساخت آینده مطلوب بپردازند (حسنوی، ۱۳۹۲: ۲۲).

در چنین شرایطی کشورهایی که خواهان تحولات مفید و مثبت در شرایط ملی و بین‌المللی خود هستند باید برنامه‌ریزی پابرجا و مبتنی بر طراحی و سناریو با رویکرد آینده‌نگاری را محور اصلی برنامه‌ریزی و مطالعات توسعه خود کنند (Dufva 100: 2015).

در این بین دانش جغرافیای سیاسی و تحولات رخ داده در مناطق مختلف ژئوپلیتیکی جهان از جمله منطقه ژئوپلیتیکی جنوب غرب آسیا نیز از این آینده‌پژوهی و امکان‌سنجی‌ها مستثنا نیست و بسیاری از پژوهشگران در این حوزه نیز امکان‌سنجی تحولات آینده و آینده‌نگاری را ضروری می‌دانند. با وجود اینکه مؤلفه‌ها و ویژگی‌های ژئوپلیتیکی حاکم بر مناطق مختلف جغرافیایی ثابت و غیرقابل تغییر است و در بسیاری از مناطق جهان همین مؤلفه‌ها روابط ژئوپلیتیکی پایداری را حاکم کرده است، تحولات بین‌المللی و مناسبات میان بازیگران منطقه جنوب غرب آسیا، تحت تأثیر عوامل مختلف به شدت پراشوب است؛ شرایطی که پیچیدگی‌های فراوانی را در نظام‌های تحلیلی ایجاد و امکان ترسیم یک افق مشخص و آینده‌نگاری صحیح را با مشکل مواجه کرده است.

در منطقه ژئوپلیتیکی جنوب غرب آسیا و محیط پیرامونی کشور ایران به‌رغم شرایط جغرافیایی ثابت و مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی پایدار، مناسبات میان کشورها تحت تأثیر عوامل مختلف مثل نقش‌آفرینی بازیگران فرامنطقه‌ای، منافع ملی، علایق متفاوت حاکمان سیاسی و ایدئولوژی‌های متفاوت حاکم در کشورهای منطقه، پیچیده و متغیر است؛ شرایطی که امکان ترسیم افق‌های روشن از مناسبات ژئوپلیتیکی کشورها را در آینده دشوار کرده است.

همان‌طور که آمد یکی از عوامل مهم و تنش‌زا در منطقه که مناسبات میان کشورهای جنوب غرب آسیا را پیچیده و متغیر کرده است، نقش آفرینی بازیگران فرامنطقه‌ای و به‌ویژه ایالات متحده آمریکاست؛ کشوری که با تغییرات اخیر در حاکمیت آن و به روی کار آمدن رئیس‌جمهور جدید؛ یعنی «دونالد ترامپ» فشارهای جدیدی را بر روی ایران و مناسبات ایران با کشورهای منطقه در دستور کار قرار داده و از این طریق امنیت را در منطقه به چالش کشیده است. البته ناگفته نماند این کشور شیوه‌های دیگری را نیز برای به چالش کشیدن امنیت جنوب غرب آسیا در دستور کار داد که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد.

پژوهش حاضر ضمن انجام بررسی‌های دقیق در اسناد تاریخی و با بهره‌گیری از تکنیک تحلیل اثرات متقاطع که یکی از روش‌های متداول و مورد پذیرش آینده‌پژوهی است به بررسی نقش ژئوپلیتیکی آمریکا بر امنیت جنوب غرب آسیا پرداخته و تلاش کرده است تا بر اساس الگوهای مختلف روابط ژئوپلیتیکی، سناریوهای احتمالی منطقه را در آینده ترسیم کند.

به این منظور جدا از بررسی‌های کتابخانه‌ای و اسنادی متون تاریخی، مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی مؤثر کنونی شناسایی و با استفاده از نرم‌افزار میک و مدل دلفی کارشناسان نسبت به تحلیل آن‌ها اقدام شد.

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده نقش آفرینی منفعت‌طلبانه و خودمحرانانه ایالات متحده آمریکا در طول دهه‌های اخیر در کنار تقابل غیر قابل انکاری که این قدرت جهانی در چهار دهه اخیر با جمهوری اسلامی ایران دارد، امنیت را در جنوب غرب آسیا و در ابعاد مختلف دچار بحران کرده است.

در چنین شرایطی بیش از هر بُعد دیگری از امنیت، امنیت اقتصادی و نظامی دچار مشکل شده است و این نقش آفرینی در آینده نیز خسارت‌های بیشتری را به منطقه وارد خواهد کرد؛ دورنمای ناخوشایندی که افزایش همکاری‌های منطقه‌ای در جنوب غرب آسیا و اشاعه فهم مشترک از منافع در میان قدرت‌های منطقه می‌تواند اثرات آن را کاهش دهد.

پیشینه پژوهش

آینده‌پژوهشی که در این پژوهش نقشی محوری دارد یکی از شیوه‌های جدید مطالعه در رابطه با آینده است که در سال‌های اخیر در این رابطه پژوهش‌های گسترده‌ای شکل گرفته است. بزازاده و دیگران در سال ۱۳۹۳ میلادی با بهره‌گیری از چهارچوب و روش‌های آینده‌نگاری به تحلیل مؤلفه‌های کلیدی توسعه منطقه‌ای در آذربایجان غربی پرداختند و با استفاده از برنامه‌ریزی سناریو، تعداد نه سناریوی توسعه‌ای را بر اساس سه مؤلفه مهم توسعه در آذربایجان غربی تدوین کردند (بزازاده و دیگران، ۱۳۹۳).

ملکزاده و دیگران با استفاده از تکنیک اثرات متقاطع و با تأکید بر آینده‌نگاری در سال ۱۳۹۴ به تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه شهری پرداختند و با بررسی عوامل کلیدی مؤثر بر توسعه شرایط کنونی شهر کرج و آینده آن را ناپایدار توصیف کردند (ملکزاده و دیگران، ۱۳۹۴). تعامل میان ایران و آمریکا و نیز سایر کشورهای منطقه از دیگر موضوعاتی است که در پژوهش حاضر نقشی کلیدی دارد و در مورد آن مطالعات فراوانی وجود دارد.

«شیرین هاتر»، معتقد است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، آمریکا و هم‌پیمانانش در منطقه، انقلاب اسلامی ایران را به‌عنوان تهدیدی برای نظام‌های حکومتی عرب قلمداد کردند و این تصویر ایجادشده در این کشورها زمینه تقابل را فراهم کرد (Hunter 1984: 77).

منصوری مقدم در رابطه با تاریخچه تعامل ایران و کشورهای منطقه به‌ویژه اعراب، عقیده دارد، به‌رغم اینکه دوران پیش از انقلاب اسلامی ایران دوران تعامل و رقابت کشورهای ایران و عربستان برای سیادت در جنوب غرب آسیا بود و ایالات متحده نیز در این موقعیت نقش رهبری را بر عهده داشت، پس از انقلاب اسلامی شرایط آستن تحولات جدیدی شد و رویکرد تنش و درگیری بر تعامل و رقابت چیره شد و امنیت منطقه به‌شدت تحت تأثیر قرار گرفت (منصوری مقدم، ۱۳۹۱: ۲).

اشارات کوتاهی که در بالا آمد، مشخص می‌کند که در وضعیت کنونی که جمهوری اسلامی ایران با ایدئولوژی و سیاست‌های منطقه‌ای متفاوت خود نسبت به گذشته در منطقه

حاضر است، قدرت‌های دیگر منطقه و نیز بازیگر جهانی؛ یعنی آمریکا توان تحمل چنین شرایطی را ندارند و بر اساس روش‌های مختلف تلاش دارند ضمن تضعیف جمهوری اسلامی ایران، امنیت منطقه را نیز به چالش بکشند و از این طریق منافع خود را پیش ببرند. در چنین شرایطی انجام یک مطالعه دقیق در منطقه مبتنی بر دانش ژئوپلیتیک و بهره‌برداری از ابزارهای کمی مناسب برای آینده‌پژوهی می‌تواند مؤثر باشد.

روش‌شناسی

روش تحقیق پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی و تحلیلی است. در این پژوهش برای رسیدن به مطلوب و ارزیابی صحیح فرضیه‌ها، از تکنیک تحلیل اثرات متقاطع که یکی از روش‌های آینده‌نگاری و امکان‌سنجی است و سعی دارد با روابط علی و معلولی بین عوامل مؤثر بر یک موضوع به سناریوهای ممکن و محتمل آینده دست یابد، کمک گرفته شده است.

این روش از این سؤال ساده به دست آمده که نقش آفرینی ایالات متحده آمریکا در جنوب غرب آسیا چه آثاری بر روی امنیت آینده منطقه دارد؟ در تکنیک تحلیل اثرات متقاطع رویدادها، حوادث و روندها به‌مثابه متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده و از طریق بررسی خروجی (دو به دو) با متغیرهای مؤثر یا پیشران (در سطر و ستون) احتمالات آینده پدیده ترسیم می‌شود.

روش پیش‌بینی آینده به‌وسیله نرم‌افزار میک مک که توسط مایک گودت اختراع شده است، این امکان را می‌دهد که با کمک گرفتن از ارتباط ماتریسی، همه مؤلفه‌های اصلی یک سیستم تشریح شوند و با بررسی این ارتباطات روش و امکان آشکارسازی متغیرهای اصلی جهت ارزیابی سیستم ممکن شود.

در این نرم‌افزار میزان ارتباط میان مؤلفه‌ها با اعداد بین صفر تا سه سنجیده می‌شود. به این شکل که عدد صفر به‌منزله بدون تأثیر، عدد یک به‌منزله تأثیر ضعیف، عدد دو به‌منزله تأثیر متوسط و در نهایت عدد سه به‌منزله تأثیر زیاد است.

همچنین برای دستیابی به مؤلفه‌های مؤثر بر تحولات آینده، مسئله مورد پژوهش و نیز جمع‌آوری داده‌ها با کمک پرسش‌نامه و از طریق روش دلفی نمره و وزن هر مؤلفه مشخص شد.

سؤال‌های پژوهش

پژوهش حاضر در راستای دستیابی به نتایج مطلوب، یک سؤال اصلی را در مطالعات دنبال کرد. این پژوهش به دنبال پاسخ به ماهیت، میزان و کیفیت اثرگذاری مؤلفه‌های مهم ژئوپلیتیکی بازیگری ایالات متحده از گذشته تا آینده در منطقه و اثرگذاری آن بر روی امنیت منطقه‌ای است.

مفاهیم و ادبیات نظری

آینده‌پژوهی

به مجموعه تلاش‌هایی که با جستجو در منابع، الگوها و عوامل متغیر یا ثابت با هدف تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی متناسب با آن‌ها صورت می‌گیرد، آینده‌پژوهی گویند. آینده‌پژوهی که معادل واژه لاتین «Futures Study» است و در این پژوهش معادل امکان‌سنجی در نظر گرفته شده است، تلاش می‌کند با بهره‌گیری از روش‌های علمی و خردمندانه به جای تصور ساده تنها یک آینده به گمانه‌زنی‌های مبتنی بر دانش در مورد چندین آینده محتمل بپردازد و در مورد آن سناریو طراحی کند.

عدم شناخت هوشمندانه آینده در زمان‌های گذشته متأثر از ابزارهای برنامه‌ریزی و نحوه به‌کارگیری آن‌ها در فرایندهای برنامه‌ریزی می‌تواند با افزایش آسیب و خسارت‌ها همراه باشد (مایر، ۲۰۰۰: ۲). ملاک شرایط مطلوب یک سیستم در آینده، پایداری آن در شرایط کنونی و یا احتمال رسیدن به پایداری در آینده نزدیک است و در رویکرد سیستم‌های انطباق‌پذیر نبود اطمینان و پایداری و نیز تغییرات مداوم در یک سیستم، ثبات و پایداری آن را به چالش می‌کشد (دیکسون و همکاران، ۲۰۱۴: ۱۳۴).

یکی از بنیان‌های نظری قابل اتکا برای رفع این چالش، آینده‌پژوهی مبتنی بر روش و سیستم است. بن مارتین در همین رابطه معتقد است: آینده‌پژوهی تلاش نظام‌مند برای نگاه به آینده بلندمدت علم، تکنولوژی، محیط زیست، سیاست، اقتصاد و اجتماع است (کاموگا، ۲۰۰۴: ۵۸۰).

بازیگری آمریکا در جنوب غرب آسیا پیش از انقلاب اسلامی

از میانه قرن نوزدهم به بعد، ایالات متحده آمریکا پس از پشت سر نهادن جنگ‌های داخلی و مرزی، فرصت یافت به توسعه دامنه نفوذ خویش در خارج از مرزهای خود بیندیشد تا بازارهای مناسبی برای فروش کالاهای تجاری‌اش بیابد. به همین دلیل آمریکایی‌ها تلاش سازمان‌دهی شده‌ای را برای ایجاد ارتباط با ایران و عربستان سعودی به‌عنوان دو قدرت پرنفوذ منطقه در پیش گرفتند و مناسبات اقتصادی و نظامی خود را از طریق این دو کشور پیش بردند. شرایط به‌گونه‌ای پیش رفت که ایران به‌عنوان مسئول امنیت منطقه‌ای و نیز عربستان به‌عنوان مسئول اقتصادی منطقه برای آمریکایی‌ها و در راستای منافع آن‌ها قرار گرفتند.

آغاز روابط رسمی ایران و ایالات متحده آمریکا، به تأسیس سفارت این کشور در ایران بازمی‌گردد. به گفته گازیوروسکی، توسعه فعالیت هیئت‌های مذهبی در ایجاد مدارس و درمانگاه‌ها در نقاط مختلف ایران و لزوم حمایت از اتباع آمریکا که تعداد آن‌ها همچنان افزایش می‌یافت، یکی از دلایل برقراری روابط سیاسی بین ایران و ایالات متحده در سال ۱۸۸۳ م بود (خدیری‌زاده، ۱۳۸۵: ۹).

جرقه‌های اولیه حضور آمریکا در ایران با حضور مستشاران آمریکایی زده شد و از اینجا بود که پای آمریکایی‌ها به ایران باز شد و دوستی محمدرضای جوان با دولت مردان آمریکایی قوت بیشتری به خود گرفت. مداخله گسترده آمریکا در ایران و سایر کشورهای منطقه، نه تنها منجر به نفوذ این کشور در امور سیاسی و اقتصادی جنوب غرب آسیا شد؛ بلکه به گسترش نفوذ اجتماعی و فرهنگی غرب در منطقه انجامید. مداخلات ایالات متحده

و نقش و تأثیرگذاری آنان در این منطقه و نگاه ابزاری آن‌ها به کشورهای منطقه که در راستای منافع دولت آمریکا و رژیم صهیونیستی طراحی شده بود، خیلی زود آثار منفی خود را بر روی امنیت منطقه گذاشت و درگیری‌های فراوانی در منطقه شکل گرفت. آغاز جنگ شش روزه اعراب و رژیم صهیونیستی در سال ۱۳۴۵ میلادی موجی از جنگ و خون‌ریزی را در جنوب غرب آسیا ایجاد کرد و بخش عمده‌ای از خاک کشورهای عربی را به تصرف رژیم صهیونیستی که مورد حمایت کامل آمریکا بود، درآورد و آغازگر شرایطی بود که به دنبال آن ناامنی و درگیری‌های منطقه افزایش یافت (کریمی‌پور، ۱۳۹۲: ۵۴).

بازیگری آمریکا در جنوب غرب آسیا پس از انقلاب اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شرایط برای حضور و فعالیت این کشور در خاک جمهوری اسلامی ایران و نیز همکاری با ایران برای پیشبرد منافع در جنوب غرب آسیا به کلی از بین رفت و فضا به گونه‌ای پیش رفت که روز به روز بر دامنه تنش‌های میان دو کشور افزوده شد.

برخلاف افزایش بی‌اعتمادی و تنش میان ایران و آمریکا و تلاش‌های فراوان این قدرت جهانی برای تضعیف و نابودی حکومت جمهوری اسلامی ایران که نمونه بارز آن را در فضای تحریم‌های فراوان و نیز تقویت رژیم بعث عراق برای حمله به ایران می‌توان دید، رابطه کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و به‌ویژه عربستان سعودی با آمریکا روزبه‌روز بهتر شد.

آمریکایی‌ها در مسیر تقویت تعامل‌های خود با کشورهای سرمایه‌دار خلیج فارس، پیشبرد منافع راهبردی خود در جنوب غرب آسیا و نیز کسب سود اقتصادی را دنبال کردند اما به‌هرحال این تعامل‌های گسترده بر افزایش دامنه تنش‌های میان ایران و کشورهای عربی مؤثر بود. چراکه یکی از سیاست‌های آمریکایی‌ها برای پیشبرد منافع اقتصادی‌شان، افزایش موج ناامنی و دامن زدن به جنگ در منطقه بود؛ شرایطی که همواره کشورهای عربی منطقه را تحریک کرد تا با خرید سلاح‌های پیشرفته از این کشور، امنیت و قدرت خود را در برابر

جمهوری اسلامی ایران حفظ کنند و آمریکایی‌ها در این فضا سازی‌ها و افزایش وابستگی کشورهای منطقه به خود، تضمین جریان انرژی از منطقه به غرب، پیشبرد منافع راهبردی خود در منطقه، تأمین و تضمین منافع رژیم صهیونیستی، ستیز با اسلام، گسترش فرهنگ آمریکایی و... را دنبال کردند (جوادی فتح، ۱۳۸۴: ۲۳).

آمریکایی‌ها در دوران برجام و گمانه‌هایی که مبنی بر علاقه دولت‌های ایران و آمریکا برای تعامل بهتر و برد برد با یکدیگر دارند، توافق‌نامه‌ای را تحت عنوان برنامه جامع اقدام مشترک به امضاء رساندند که بر اساس آن امیدها برای بهبود روابط میان دو کشور افزایش یافت؛ اما در ادامه و در مقاطع مختلف، ایالات متحده آمریکا اقدام به نقض روح و جسم برجام کرد و نشان داد، سیاست‌های کلان و بلندمدتش در تضاد کامل با سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران قرار دارد؛ واقعیتی که در دوره جدید و روی کار آمدن «دونالد ترامپ» ابعاد جدی‌تری را به خود گرفته است و تقابل دوباره ایران و آمریکا در سال‌های جدید و به‌ویژه نشست اخیر سازمان ملل که دو رئیس‌جمهور سخنان تندی را علیه یکدیگر مطرح کردند، نمایان گشت (ایسنا، شهریور: ۹۶).

ژئوپلیتیک

از ژئوپلیتیک به‌عنوان «دانش نتایج عدم انطباق، دو الگوی فضایی عرضه و تقاضای منابع حیاتی»؛ نظیر آب، غذا، انرژی، فلزات، تولیدات صنعتی، علم و فناوری و... یاد می‌شود که ویژگی اصلی همه این الگوها توزیع نامتعادل آن‌ها در سطح سیاره زمین است. بر سر ماهیت و موضوع ژئوپلیتیک، افتراق دیدگاه‌ها وجود دارد، اما با توجه به اینکه در فضا‌های جغرافیایی مختلف از سطح محلی تا جهانی، گروه‌های اجتماعی بشر بر پایه ویژگی‌ها و منافع مشترک می‌توانند به خودشان سامان سیاسی متحد و یکپارچه دهند و به دلیل اینکه حیات و بقا و زندگی واحدهای انسانی از حیث سیاسی به‌شدت به عوامل جغرافیایی؛ نظیر مکان، فضا، منابع، فرصت‌ها و تهدیدها وابسته بوده و از سوی دیگر به سطح قابل قبولی از قدرت جمعی و گروهی بستگی دارد، شاید بتوان در یک نگاه کلی سه پارامتر جغرافیا،

قدرت و سیاست که الگوهای رفتاری گروه‌های متشکل را نسبت به یکدیگر تعیین می‌کنند در اشکالی مثل نوسان قدرت، رقابت، همگرایی، واگرایی، نفوذ، بحران، سلطه‌گری، سلطه-پذیری، تعامل، صلح، ائتلاف، جنگ، امنیت، تجارت، مبادله، ثبات و ... ماهیت اصلی ژئوپلیتیک قلمداد کرد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۰).

منطقه ژئوپلیتیکی

منطقه ژئوپلیتیکی عبارت است از بخشی از سطح سیاره زمین و یا مجموعه‌ای از کشورها و واحدهای سیاسی-فضایی همجوار، اعم از فضای خشکی یا آبی یا تلفیقی که بر اساس ترکیب عوامل سیاسی و جغرافیایی خاص دارای تجانس و هویت مشخص و یا کارکرد مشترک بوده و از سایر مناطق و نواحی مجاور متمایز شود. منطقه ژئوپلیتیکی بسترساز شکل‌گیری الگوی فضایی روابط سیاسی دولت‌های درون‌منطقه‌ای و برون‌منطقه‌ای است و در فرایند تکاملی خود به سازه ژئوپلیتیکی تبدیل می‌شود؛ حالتی که در آن نیروهای سیاسی منطقه‌ای و غیر منطقه‌ای فعال شده و فرایندهای همگرایی، واگرایی، کشکس، ستیز، همکاری و تعاون توسعه می‌یابد و روابط سیستمی دولت‌ها و بازیگران درون‌منطقه‌ای و برون‌منطقه‌ای مبتنی بر عناصر ساختاری و کارکردی منطقه به‌صورت پیدا و پنهان شکل گرفته و توسعه می‌یابد (همان: ۱۱۲).

همگرایی

در دانش علوم سیاسی، همگرایی سیاسی فرایندی است که طی آن واحدهای سیاسی به‌طور داوطلبانه از اعمال اقتدار تام خویش برای رسیدن به هدف‌های مشترک صرف نظر کرده و از یک قدرت فوق ملی پیروی می‌کنند؛ موضوعی که نظریه‌پردازان همگرایی بر سر تعریف دقیق آن توافق کامل ندارند و در این باره نظریه‌های فراوانی مثل همگرایی که در آن کشورها می‌کوشند با اتخاذ تصمیماتی مشترک به یک نهاد فراملی دست یابند، کارکردگرایی که فرض تحویل‌ناپذیری دولت‌ها را زیر سؤال می‌برد و

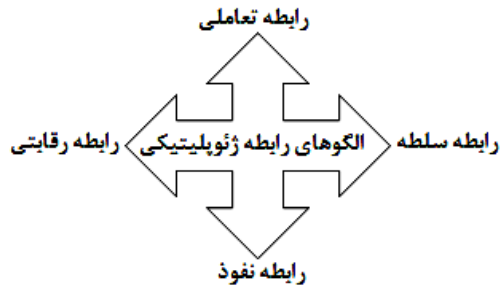
نوکارکردگرایی که به فعالیت نخبگان در بخش‌های خصوصی و دولتی تأکید دارد را مطرح کرده‌اند (دوئرتی و فالترزگراف، ۱۳۸۳: ۶۹۵-۶۶۶).

از منظر جغرافیای سیاسی نیز همگرایی یکی از راه‌های نزدیکی ملت‌ها و دولت‌ها است که در زمینه‌های گوناگون نظامی، سیاسی، اقتصادی و حتی فرهنگی تجلی دارد. همگرایی منطقه‌ای با ملت‌گرایی و جهان‌گرایی همخوانی ندارد. جغرافیدانان سیاسی این پدیده را فرایندی پویا می‌دانند که در سطوح گوناگون جامعه جهانی مثل مناطق ژئوپلیتیکی دیده می‌شود و به زمینه‌های مختلفی مثل وجود پیوندهای اجتماعی ناگسستنی، رشد اقتصادی برتر در همه یا برخی، ظرفیت‌های سیاسی و اداری کافی، سازگاری در ارزش‌های متقابل سیاسی، متقابل بودن مزایا، وجود یک شرایط جذاب پسا همگرایی و وجود پیوندهای اجتماعی نیاز دارد (زارعی، ۱۳۹۴: ۱۱).

رابطه ژئوپلیتیکی

روابط ژئوپلیتیکی روابطی هستند که بین کشورها و دولت‌ها و بازیگران سیاسی بر پایه ترکیب عناصر سیاست، قدرت و جغرافیا برقرار می‌شوند. در شکل‌گیری هرگونه رابطه میان بازیگران، عنصر سیاست در قالب بازیگری سیاسی که به ماهیت رابطه شکل می‌دهد و نیز کنش‌هایی که توسط بازیگر انجام می‌شود، پدیدار می‌شود.

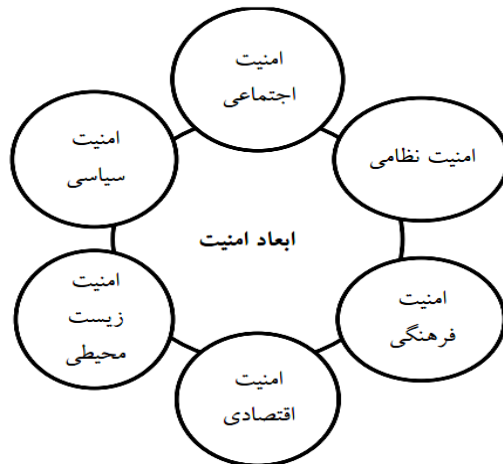
عنصر قدرت در شکل دادن به الگو و ماهیت رابطه و نگرش بازیگران نسبت به هم تجلی پیدا می‌کند. عنصر جغرافیا نیز نقش بسترساز را ایفا کرده و انگیزه‌های لازم برای شکل‌گیری اراده سیاسی رابطه، تجلی فضایی رابطه و نیز تأثیرگذاری بر سطح قدرت بازیگر را سبب می‌شود. روابط ژئوپلیتیکی میان بازیگران از الگوهای مختلفی شکل می‌گیرد که از تعاملی تا رقابتی را شامل شود (حافظ‌نیا: ۳۶۳).



شکل ۱ الگوهای رابطه ژئوپلیتیکی

امنیت و ابعاد مختلف آن

امنیت در معنای عینی آن؛ یعنی فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های کسب‌شده و در معنای ذهنی آن؛ یعنی فقدان هراس از اینکه ارزش‌های مزبور مورد حمله قرار می‌گیرد (Wolfers 1962: 105). بر پایه مفهوم امنیت، کشوری دارای امنیت است که در صورت احتراز از جنگ، مجبور به فدا کردن منافع حیاتی خود نباشد و در صورت وقوع جنگ، منافع حیاتی خود را با پیروزی در جنگ حفظ کند. امنیت ابعاد مختلفی از جمله اجتماعی، سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی را دارد و در سطوح مختلف محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی قابل تعریف است (روشندل، ۱۳۷۴: ۱۱).



شکل ۲ ابعاد مختلف امنیت (ترسیم: نگارندگان)

قلمرو جغرافیایی پژوهش

به صورت کلی منطقه ژئوپلیتیکی جنوب غرب آسیا و به صورت جزئی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس که در طول سال‌های متمادی پس از انقلاب اسلامی، پایگاه تلاش‌های فراوان برای کاهش قدرت و امنیت ملی ایران و به چالش کشیدن امنیت منطقه‌ای جنوب غرب آسیا بوده است، قلمرو جغرافیایی پژوهش حاضر است؛ منطقه‌ای که اخیراً نیز در آن برخی از کشورهای عربی با حمایت‌های ویژه رئیس‌جمهور آمریکا در پی آغاز تلاش‌های جدیدی برای تضعیف موقعیت ایران و افزایش ناامنی‌های موجود هستند و در گذشته نیز پایگاه‌های مختلف نظامی و اقتصادی در آن توسط ایالات متحده آمریکا شکل گرفته است.



شکل ۳ منطقه جغرافیایی جنوب غرب آسیا و کشورهای حاضر در این منطقه

یافته‌های پژوهش

در اولین مرحله پیاده‌سازی مدل محاسباتی ذکر شده برای ارزیابی و سنجش ترتیب و جایگاه دلایل و چرایی تمایل آمریکا برای فعالیت در منطقه جنوب غرب آسیا، ۱۳ عامل احتمالی بر اساس نظرات کارشناسان و ادعاهای مقامات این کشور انتخاب و در پنج قالب کلی اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، نظامی، سیاسی و جغرافیایی تقسیم‌بندی شد.

در گام بعد، برای این عوامل بر اساس ضرورت نرم‌افزار تحلیلگر مورد استفاده، نشانک‌های کوتاه انتخاب شد و پس از تهیه ماتریس این عوامل، نظر خبرگان در مورد میزان اثرگذاری هرکدام از عوامل بر روی یکدیگر پرسیده شد و بر اساس میانگین تقریبی، نظرات دریافتی ماتریس مورد نظر تشکیل و وارد نرم‌افزار شد.

جدول ۱ عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر نقش‌آفرینی آمریکا در جنوب غرب آسیا

ردیف	مؤلفه	عوامل شکل‌گیری	عنوان کوتاه
۱	اجتماعی و فرهنگی	تغییر سبک زندگی مردم منطقه	سبک
		مقابله با گسترش دین اسلام در جهان	اسلام
		مقابله با گسترش انقلاب اسلامی ایران در منطقه	انقلاب
۲	اقتصادی	تسلط بر منابع نفتی و غیرنفتی منطقه	منابع
		جولوگیری از نفوذ رقبا در منطقه	رقبا
		افزایش مناسبات اقتصادی با کشورهای منطقه	مناسبات
۳	نظامی	جولوگیری از افزایش قدرت نظامی ایران	قدرت ایران
		افزایش قدرت نظامی رژیم صهیونیستی	قدرت رژیم صهیونیستی
		تسلط بر پایگاه‌های نظامی حساس منطقه	پایگاه
۴	سیاسی	گسترش دموکراسی در منطقه	دموکراسی
		تسلط بر حکومت‌های منطقه	تسلط سیاسی
۵	جغرافیایی	تسلط بر موقعیت جغرافیایی جنوب غرب آسیا	جغرافیا
		کمک به کشورهای منطقه در راستای توسعه	توسعه

با توضیح این مهم که در ماتریس تهیه شده، عوامل سطر بر ستون تأثیرگذار است، خبرگان مرجع پرسش باید از میان ۴ عدد صفر= بی تأثیر، ۱= تأثیر کم، ۲= تأثیر متوسط و ۳= تأثیر خیلی زیاد، یک عدد را بر اساس نظر شخصی در جدول ماتریس می‌نوشتند. جامعه آماری هفت متخصصی که این ماتریس را پر کردند، داده‌هایی را جمع‌آوری به دست داد که پس از تحلیل با نرم‌افزار میک مک، مبنای تحلیل شدند.

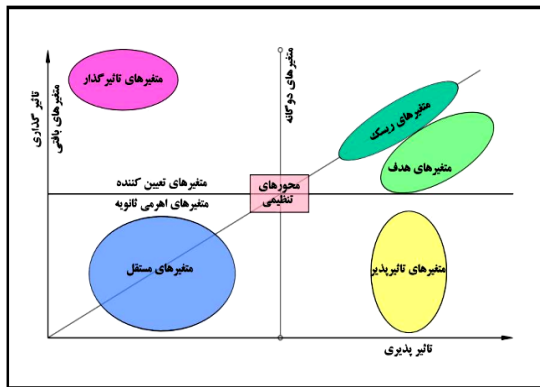
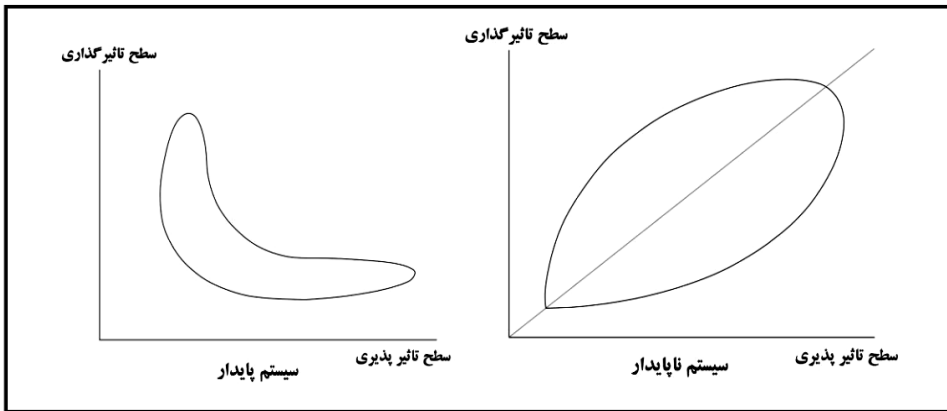
عنوان کوتاه	سبک	اسلام	انقلاب	منابع	رقبا	مناسبات	قدرت ایران	قدرت اسرائیل	پایگاه	دموکراسی	تسلط سیاسی	جغرافیا	توسعه
سبک	۳	۳	۱	۰	۰	۳	۱	۱	۲	۱	۱	۳	۱
اسلام	۳	۳	۲	۳	۰	۲	۱	۱	۱	۱	۳	۳	۱
انقلاب	۳	۲	۳	۳	۰	۳	۲	۲	۲	۱	۱	۲	۱
منابع	۳	۱	۱	۳	۳	۲	۱	۲	۱	۱	۳	۲	۱
رقبا	۱	۱	۱	۳	۳	۳	۲	۱	۱	۱	۲	۲	۳
مناسبات	۲	۱	۳	۳	۱	۳	۲	۱	۱	۱	۱	۲	۳
قدرت ایران	۳	۱	۳	۳	۱	۲	۳	۱	۳	۱	۳	۲	۱
قدرت اسرائیل	۲	۱	۳	۳	۳	۳	۱	۳	۲	۱	۱	۲	۳
پایگاه	۱	۱	۲	۲	۱	۲	۲	۱	۳	۱	۲	۳	۲
دموکراسی	۱	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۳	۱	۱	۱
تسلط سیاسی	۱	۲	۲	۱	۱	۲	۲	۰	۱	۱	۳	۳	۱
جغرافیا	۱	۱	۳	۲	۲	۲	۲	۰	۲	۱	۳	۳	۱
توسعه	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۳	۳	۱

شکل ۴ ماتریس تهیه شده در رابطه با دلایل اصلی حضور آمریکا در جنوب غرب آسیا با استفاده از نظر کارشناسان

روش این نرم‌افزار این‌گونه است که ابتدا متغیرهای مهم شناسایی می‌شود و در ماتریسی که توضیح آن آمد و کار بررسی و تحلیل اثرات متقاطع را انجام می‌دهد، وارد می‌شوند.

نرم‌افزار میک مک خروجی‌های مختلفی دارد که به‌طور کلی در دو نوع کلی قابل تقسیم است و شرح آن به این صورت است که اگر عوامل موجود حول محور قطرها قرار بگیرند، این مسئله حکایت از ناپایداری سیستم دارد و اگر به شکل L باشد این موضوع گویای پایداری سیستم است. همچنین وضعیت قرارگیری عوامل در بخش‌های مختلف مختصات

در محور تأثیرگذاری و تأثیرپذیری، امکان‌های مختلفی را برای تحلیل پیش می‌آورد که در ادامه خواهد آمد (بهشتی و زالی، ۱۳۹۰: ۶۱).



شکل ۵ وضعیت قرارگیری عوامل توسعه در محور تأثیرگذاری و تأثیرپذیری

(محمدپور و دیگران، ۱۳۹۵: ۵).

نتایج بررسی

همان‌طور که بیان شد در تکنیک تحلیل اثرات متقاطع و در خروجی نرم‌افزار آینده‌نگاری میک مک، اگر عوامل وزن داده شده در جدول مختصات به شکلی شبیه به L پراکنده شوند، حکایت از وجود نوعی پایداری در سیستم و اگر در محور قطرها پراکنده شوند، حکایت از ناپایداری در سیستم دارند.

در بررسی انجام شده در رابطه با عوامل اصلی حضور و فعالیت ایالات متحده آمریکا در منطقه جنوب غرب آسیا، عوامل مطالعه شده نشانی از پایداری در سیستم ندارد و در عین حال به صورت کامل بر ناپایداری کامل هم دلالت ندارد؛ شرایطی که می توان از آن وضعیتی پایدار و بینابین را تفسیر و استخراج کرد.

در مطالعه انجام شده و بر اساس خروجی های نرم افزار، بازیگری رژیم صهیونیستی و افزایش قدرت این کشور یکی از دلایل اصلی و اثرگذار قوی در حضور مداوم آمریکا در منطقه است. بر این اساس باید این گونه تفسیر کرد که مادامی که رژیم صهیونیستی در منطقه حضور دارد و افزایش قدرتش یکی از دغدغه های اصلی آمریکاست، حضور این کشور در منطقه غیرقابل انکار است.

موضوع مهم دیگری که به عنوان یکی از عوامل اصلی بازیگری آمریکا در منطقه نقش دارد، جلوگیری از افزایش قدرت ایران در جنوب غرب آسیا است؛ آمریکا در منطقه حضور دارد تا به هر روشی که ممکن است از افزایش قدرت ایران جلوگیری به عمل آورد.

جدا از تلاش برای افزایش قدرت نظامی رژیم صهیونیستی و حفظ موجودیت این رژیم و جلوگیری از افزایش قدرت جمهوری اسلامی ایران، عوامل دیگری مثل جلوگیری از گسترش اسلام در جهان، حفظ و تقویت پایگاه های نظامی آمریکا در خلیج فارس و نیز مقابله جدی با رقبای جهانی در رابطه با تسلط بر جنوب غرب آسیا در حضور مداوم آمریکا در منطقه تأثیر به سزایی دارد و این موارد از عوامل تأثیرگذار هستند.

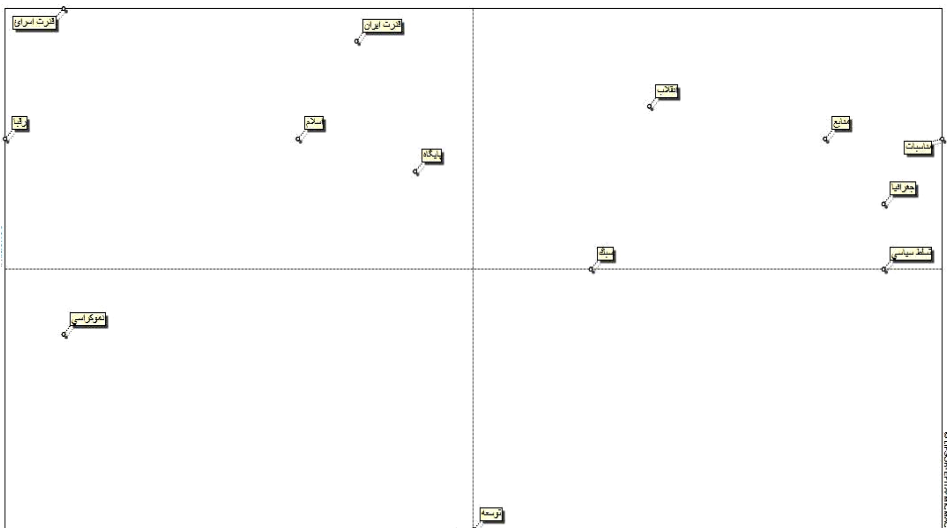
گسترش دموکراسی در منطقه جنوب غرب آسیا که به عنوان یکی از عوامل در تکنیک به آن اشاره شده بود، در بررسی انجام شده به عنوان یک متغیر مستقل تعریف شد و این مهم حکایت از این دارد که این موضوع نمی تواند از جمله دلایل اصلی حضور آمریکا در منطقه باشد و به عبارت بهتر نهادینه شدن دموکراسی در منطقه و یا نهادینه نشدن آن در منطقه، زیاد مورد نظر و هدف اصلی آمریکایی ها نیست.

عامل مهم توسعه و آنچه که آمریکا گاهی در توجیه دلیل حضور خود در جنوب غرب آسیا تحت عنوان تلاش برای توسعه کشورهای منطقه بیان می کند، در بررسی انجام شده

به‌عنوان یکی از عوامل تأثیرپذیر تعیین شد و این موضوع نشان می‌دهد که بحث توسعه منطقه به‌شدت از موضوع حضور مداوم آمریکا در جنوب غرب آسیا تأثیر پذیرفته است؛ وضعیتی که البته به‌خوبی گویای آن هست که حضور آمریکا توسعه‌ای برای منطقه نداشته است.

در مطالعه انجام‌شده، افزایش مناسبات اقتصادی با کشورهای جنوب غرب آسیا در راستای اهداف کلان ایالات متحده آمریکا، تسلط بر موقعیت جغرافیایی استراتژیک و حساس جنوب غرب آسیا به‌ویژه خلیج فارس، تسلط سیاسی بر حکومت‌های این منطقه و تسلط بر منابع نفتی و غیرنفتی از جمله اهداف اصلی آمریکا برای حضور در جنوب غرب آسیا است.

مقابله با گسترش انقلاب اسلامی ایران نیز یکی دیگر از اهداف اصلی حضور آمریکا در منطقه جنوب غرب آسیا است که البته تحت عنوان متغیرهای ریسک نیز قابل تفسیر است و معنای آن این است که آمریکایی‌ها الزاماً با انقلاب اسلامی ایران مخالفتی ندارند؛ آن‌ها با انقلاب اسلامی ایران مادامی مخالف هستند که بدانند این انقلاب و حکومت برآمده از آن، منافع آن‌ها را در منطقه تهدید می‌کند.



شکل ۵ پراکنش عوامل اصلی حضور آمریکا در جنوب غرب آسیا در جدول مختصات

میزان اثرگذاری هرکدام از عوامل مؤثر بر حضور ایالات متحده آمریکا در جنوب غرب آسیا، متفاوت و گویای برخی حقایق قابل تأمل است. به بیان بهتر الزاماً هر عامل روی عامل دیگر اثرگذار نیست. دموکراسی یکی از عواملی است که روی هدف آمریکا در موضوع تلاش برای تسلط سیاسی بر روی کشورهای جنوب غرب آسیا اثرگذار است و همچنین تلاش‌های آمریکا برای مقابله با گسترش اسلام را با حالت دوگانه‌ای که دارد، متأثر کرده است.

تلاش برای افزایش قدرت رژیم صهیونیستی از جمله عوامل مستقل و اثرگذاری است که عوامل دیگری مثل تلاش آمریکا برای جلوگیری از نفوذ رقبا در جنوب غرب آسیا، تلاش برای توسعه منطقه، تلاش برای تسلط بر منابع کشورها و نیز نوع مناسبات آمریکا با کشورهای منطقه را متأثر کرده و بر روی آن‌ها اثرگذار است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که افزایش قدرت جمهوری اسلامی ایران به شدت بر روی تلاش برای افزایش پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه مؤثر است و نیز افزایش پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه توان این کشور برای تسلط بر موقعیت جغرافیایی جنوب غرب آسیا را تسهیل کرده است.

از سویی انقلاب اسلامی ایران و تلاش‌های آمریکا برای مقابله با آن، یکی از عواملی است که به شدت از سوی سایر عوامل مثل افزایش قدرت رژیم صهیونیستی، تسلط افزایش مناسبات آمریکا با کشورهای منطقه و موقعیت جغرافیایی منطقه تأثیر پذیرفته است.

عامل مهم دیگری که اشاره به نحوه اثرگذاری و اثرپذیری آن مهم است، تلاش‌های آمریکا برای تسلط سیاسی بر روی حکومت‌های منطقه است. این عامل از عوامل دیگری مثل تلاش برای مقابله با اسلام، تلاش برای تسلط بر موقعیت جغرافیایی منطقه، جلوگیری از افزایش قدرت ایران و تلاش برای مقابله با رقبا تأثیر می‌پذیرد.

در دانش ژئوپلیتیک و مبحث الگوهای ژئوپلیتیکی این دانش، چهار الگوی رابطه رقابتی، سلطه، نفوذ و تعامل که توضیح آن‌ها رفت، مبحث مهمی است که می‌توان با بررسی‌هایی که مدنظر پژوهش حاضر بود، الگوی مسلط کنونی را از آن استنباط کرد.

برای رسیدن به هدف، در پژوهش حاضر از تکنیک تحلیل اثرات متقاطع و نرم‌افزار میک مک استفاده شد و پس از دریافت نظر کارشناسان در مورد میزان اثرگذاری عوامل مؤثر بر حضور ایالات متحده آمریکا در جنوب غرب آسیا، نسبت به تحلیل آن اقدام شد؛ عواملی که برای دریافت میزان اثرگذاری آن‌ها بر روی ابعاد مختلف امنیت در حوزه‌های مختلفی مثل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و جغرافیایی تقسیم‌بندی شده بود.

خروجی نرم‌افزار نشان داد که عواملی، مثل افزایش قدرت نظامی ایران در منطقه جنوب غرب آسیا و نفوذ ژئوپلیتیکی این کشور، یکی از نگرانی‌های اصلی آمریکا است و این کشور برای مقابله با شرایط پیش‌آمده با توجه به اختلاف‌های اساسی که در منافع مشترک با ایران دارد، باید در منطقه حضور داشته باشد.

نگرانی آمریکا از کاهش قدرت نظامی رژیم صهیونیستی و آنچه که در اثر تغییرات کنونی در منطقه ایجاد شده است، موضوع مهم دیگری است که آمریکایی‌ها را ناچار کرده است تا در منطقه حاضر باشند.

جدا از دو عامل مهم بالا، گسترش اسلام و افزایش علاقه‌مندی‌های جهانی به این دین و نیز افزایش حضور و فعالیت اقتصادی و نظامی رقبای جهانی آمریکا همانند چین و روسیه در جنوب غرب آسیا، مسئله مهمی است که آمریکایی‌ها را ناچار کرده است تا در منطقه حضور داشته باشند و از افزایش نفوذ رقبای جلوگیری کنند.

در این بین، پژوهش حاضر نشان داد، عواملی مثل افزایش مناسبات اقتصادی با کشورهای جنوب غرب آسیا، تسلط بر موقعیت جغرافیایی منطقه، تسلط سیاسی بر حاکمان کشورهای منطقه، تسلط بر منابع اقتصادی نفتی و غیرنفتی منطقه و نیز تغییر سبک زندگی مردم از جمله اهداف اصلی آمریکا در راستای منافع بلندمدت این قدرت جهانی است.

در میان همه عوامل ذکر شده، دموکراسی و تلاش برای ایجاد دموکراسی در کشورهای منطقه تنها متغیر مستقل پژوهش شناخته شد؛ اتفاقی که شاید معنا و تفسیر بهترین آن این باشد که الزاماً برای آمریکایی‌ها بود یا نبود دموکراسی در منطقه اهمیت ندارد. آن‌ها هم می‌توانند با کشورهای دیکتاتوری کنار بیایند و هم می‌توانند کشورهای دموکرات و مردم‌سالار را تحمل کنند، مشروط بر آنکه منافع آمریکا در منطقه توسط کشور مورد نظر تأمین شود.

موضوع مهم دیگر، عامل توسعه و تلاش برای توسعه کشورهای منطقه است؛ دلیلی که بارها مقامات سیاسی آمریکایی در توجیه حضورشان در منطقه به آن اشاره کرده‌اند، اما پژوهش حاضر نشان داد که چندان با حقیقت یکسان نیست. در واقع و بر اساس مدل تکنیک اثرات متقاطع، توسعه کشورهای منطقه، متغیر تأثیرپذیری است که از سایر عوامل اثر می‌پذیرد و با توجه به دو حقیقت آشکار کنونی؛ یعنی عدم توسعه‌یافتگی کشورهای منطقه و نیز حضور دائمی و مداوم آمریکا در منطقه به‌خوبی روشن می‌شود که این دلیل با واقعیت هم‌خوانی ندارد.

بر اساس تفاسیر بالا و اینکه افزایش مناسبات اقتصادی با کشورهای منطقه و تسلط بر منابع نفتی و غیرنفتی از اهداف اصلی آمریکایی‌ها در منطقه است و از سویی نیز جلوگیری از افزایش قدرت نظامی ایران در جنوب غرب آسیا و نیز افزایش قدرت نظامی رژیم صهیونیستی در کنار افزایش پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه از جمله عوامل تأثیرگذار تعیین شد، به نظر در شرایط کنونی و آینده امنیت جنوب غرب آسیا در حوزه‌های اقتصادی و نظامی به شدت تحت تأثیر قرار بگیرد و به چالش کشیده شود؛ چراکه می‌دانیم امنیت؛ یعنی فقدان تهدید در رابطه با ارزش‌های موجود و این اهداف و عوامل تأثیرگذار به‌صورت مستقیم برای شاخص‌هایی که به آن‌ها اشاره شد، تهدید قلمداد می‌شوند.

همچنین الگوی رابطه ژئوپلیتیکی بر اساس تفاسیر بالا میان کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا و ایالات متحده هیچ ارتباطی با تعامل و رقابت حتی با کشورهای مثل عربستان سعودی و سایر هم‌پیمانان آمریکا ندارد و این کشور در فضایی بین‌الگوی رابطه

ژئوپلیتیکی نفوذ در مقابل کشورهای مثل ایران که در برابرش مقاومت می‌کنند و نیز سلطه در برابر کشورهای مثل عربستان سعودی که هم‌پیمانانش توصیف می‌شوند، قرار دارد. به عبارت بهتر آمریکا با تلاش برای جلوگیری از گسترش دین اسلام و مقابله با انقلاب اسلامی ایران در کنار تلاش برای ایجاد پایگاه‌های نظامی در منطقه و نیز تغییر سبک زندگی مردم، سعی دارد نفوذ خود را بر روی کشورهای منطقه و به‌ویژه ایران دنبال کند و با شرایطی مثل تلاش برای تسلط سیاسی بر حاکمان، افزایش مناسبات اقتصادی با کشورهای منطقه و تسلط بر منابع نفتی و غیرنفتی، تلاش‌های خود را برای استمرار الگوی سلطه ژئوپلیتیکی بر کشورهای مثل عربستان سعودی و سایر هم‌پیمانانش ادامه دهد.

بر این اساس آنچه برای آینده انتظار آن می‌رود، ادامه تلاش‌ها و حضور آمریکا در منطقه است؛ تلاشی که آمریکایی‌ها برای آن استدلال‌های قانع‌کننده‌ای را دارند و این وضعیت با توجه به افزایش حضور سایر رقبای منطقه و تقابل برخی کشورها با این تلاش‌ها مثل ایران، اوضاع ملتهب آینده را گوشزد می‌کند.

فهرست منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- بزاززاده، محمد، (۱۳۹۲)، بررسی و تحلیل عوامل کلیدی مؤثر بر توسعه منطقه‌ای با رویکرد آینده‌نگاری منطقه‌ای (مطالعه موردی: استان آذربایجان غربی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- جوادی فتح، سارا، (۱۳۸۴)، سوداهای ایالات متحده در طرح خاورمیانه بزرگ، مجله راهبرد، شماره ۳۵، بهار.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، انتشارات سمت.
- حسینی، رضا و دیگران، (۱۳۹۲)، طراحی مدل تأثیر آینده‌نگاری بر سیاست‌گذاری، علم، فناوری و نوع‌آوری در سطح ملی با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری، فصلنامه سیاست علم و فناوری.
- خبرگزاری ایسنا، (۱۳۹۶)، سخنرانی رئیس‌جمهور ایران در صحن علنی سازمان ملل متحد، شهریورماه.
- خدری‌زاده، علی‌اکبر، (۱۳۸۵)، نیروی سوم اتازونی، روابط ایران و آمریکا از دوره ناصری تا انقراض قاجار، زمانه: ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، سال پنجم، شماره ۴۴.
- دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت، (۱۳۸۳)، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، نشر قومس.
- روشندل، جلیل، (۱۳۷۴)، امنیت ملی و نظام بین‌المللی، تهران: انتشارات سمت.
- زارعی، بهادر، (۱۳۹۴)، مطالعات منطقه‌ای خلیج فارس، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کریمی‌پور، داوود، (۱۳۹۲)، بررسی نقش و پیامدهای حضور آمریکا در ایران از مشروطه تا تسخیر لانه جاسوسی، پژوهشکده مطالعات آمریکا.
- محمدپور، مرتضی و دیگران، (۱۳۹۵)، شناسایی و تحلیل اثرات متقابل عوامل کلیدی و سنجش میزان پایداری منطقه‌ای با رویکرد آینده‌نگاری، فصلنامه جغرافیا و پایداری محیط، شماره ۲۰، پاییز ۹۵.
- ملک‌زاده، ندا و دیگران، (۱۳۹۵)، شناسایی و تحلیل عوامل کلیدی مؤثر بر توسعه شهری با رویکرد آینده‌نگاری، مطالعه موردی کلان‌شهر کرج، مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال سوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۵.
- منصوری مقدم، محمد، (۱۳۹۱)، سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال جمهوری اسلامی ایران، رساله دکتری به راهنمایی دکتر محمد فرهاد عطایی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.

ب. منابع انگلیسی

- Dixon, T., Eames, M., Britnell, J., Watson, G. B., & Hunt, M. (2014). **Urban retrofitting: Identifying disruptive and sustaining technologies using performative and foresight techniques.** *Technological Forecasting and Social Change*, 89
- Dufva M Konola (2015) **Multi Layered foresight:** lessons from regional foresight in chile futures 73
- Hunter, shreen (1984), "**Arab, Iranian Relations and Stability in Persian Gulf**", Washington Quarterly, Vol. 7, No. 3.
- Kameoka, A., Yokoo, Y., & Kuwahara, T. (2004). **A challenge of integrating technology foresight and assessment in industrial strategy development and policymaking.** *Technological Forecasting and Social Change*, 71(6), 579-598.
- Myer, D., & Kitsuse, A. (2000). **Constructing the future in planning: A survey of theories and tools.** *Journal of Planning Education and Research*, 19(3),

